

مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، شماره ۱۷، نیمه دوم سال ۱۳۸۴

## تأثیر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختها (یک تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی)

دکتر حمید ابریشمی<sup>۱</sup>

دکتر محسن مهرآرا<sup>۲</sup>

رضا محسنی<sup>۳</sup>

### چکیده

رابطه بین آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی محور اصلی مطالعات اخیر را بویژه در کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص داده است. پیشرفتهای اخیر در ادبیات سیاست تجاری بر اثرات آزادسازی تجاری بر کاهش رفتار رانت جویانه و سرعت بخشیدن به انتقال دانش فنی از بازارهای جهانی تأکید داشته است. منافع ناشی از این سیاست، دست یابی بیشتر به کالاهای جدید واسطه ای و سرمایه ای و همچنین حجم وسیع دانش فنی، که شبیه سازی تکنیکهای پیشرفته را سرعت می بخشد، می باشد. مقاله حاضر تأثیر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختهای برخی از کشورهای در حال توسعه منتخب (از جمله ایران) را طی دوره زمانی ۱۹۷۱ و ۲۰۰۲ با استفاده از روش پویای داده های پانل مورد بررسی قرار می دهد. یافته های تحقیق حاکی از آن است که با آزادسازی تجاری به لحاظ آن که افزایش رشد واردات بیشتر از رشد صادرات بوده وضعیت تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختها وخیم تر شده است.

واژه های کلیدی: آزادسازی تجاری، تراز تجاری، حساب جاری، داده های پانل، روش گشتاورهای تعمیم یافته.

۱- استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

۲- استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.

۳- پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

**۱ - مقدمه**

یکی از اهداف عمده آزادسازی تجاری جهش رشد اقتصادی با بهره‌گیری از منافع ایستا و پویای ناشی از تجارت از طریق تخصیص کارآمد منابع، تشدید رقابت، ارتقای جریان دانش و سرمایه‌گذاری و نهایتاً رشد سریع نرخ انباشت سرمایه و پیشرفت فنی است. موانع تجاری و سیاستهای ضد صادراتی، رشد صادرات را به پایین‌تر از وضعیت بالقوه آن کاهش خواهد داد. کنترل‌های وارداتی نیز اگرچه به حمایت ترازپراختها می‌پردازد اما در عین حال کارایی را کاهش می‌دهد. از لحاظ نظری آزادسازی تجاری، رشد واردات و صادرات را افزایش می‌دهد اما تأثیر آن بر تراز تجاری و تراز پرداختها مبهم است و بیشتر به اثرات نسبی رشد صادرات و واردات و همچنین به تغییرات قیمتهای نسبی بستگی دارد. از دیدگاه عرضه، آزادسازی تجاری به رشد اقتصادی منجر می‌گردد اما از دیدگاه تقاضا این سیاست به وخیم‌تر شدن ترازپرداختها منجر شده که اثر معکوسی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. زیرا کسری ترازپرداختها ناشی از آزادسازی تجاری غیر قابل کنترل بوده و به سادگی توسط تغییرات در قیمتهای نسبی (نرخ ارز واقعی) جهت حصول به شرایط تعادلی، قابل جبران و تصحیح نمی‌باشد.<sup>۱</sup>

در سالهای اخیر از جمله مباحث اصلی اقتصاددانان توسعه، تبیین اثر آزادسازی تجاری بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. لذا با توجه به تحول جهانی در زمینه آزادسازی تجاری و آثار آن در اقتصاد، مقاله حاضر می‌تواند نقش مفیدی را ایفا نماید. در این مقاله ابتدا به طور مختصر به بررسی شواهد تجربی پیرامون موضوع می‌پردازیم و سپس به معرفی الگوی نظری و تخمین و تجزیه و تحلیل آن با استفاده از داده‌های ۲۳ کشور در حال توسعه منتخب<sup>۲</sup> طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۲ که در آنان آزادسازی تجاری گسترده‌ای صورت گرفته است، می‌پردازیم.

**۲ - شواهد تجربی**

درک چگونگی واکنش جریانهای تجاری به تغییرات شرایط اقتصادی از جمله مباحث ضروری جهت طراحی یک برنامه تعدیل ساختاری موفقیت‌آمیز است. به طور کلی چالشهای متعددی مبنی بر این که

1) Khan and Zahler (1985)

۲- منظور از کشورهای در حال توسعه منتخب در این جا ۲۳ کشور به ترتیب زیر است: هند، پاکستان، سریلانکا، ایران، اندونزی، کره، مالزی، فیلیپین، تایلند، کامرون، مالاوی، مراکش، تونس، زامبیا، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، جمهوری دمنیکن، اکوادور، مکزیک، پاراگوئه، اروگوئه، ونزوئلا.

واردات با سرعت بالاتری نسبت به صادرات به شرایط آزادسازی تجاری عکس العمل نشان می دهد، وجود دارد که نتیجه آن در کوتاه مدت کسری تراز تجاری و نیاز موقتی جهت تامین مالی آن خواهد بود. لذا یکی از ویژگیهای اصلی این بسته های تعدیل ساختاری که توسط سازمانهای بین المللی عرضه می گردد، وجود بدهیهای خارجی است. بدین ترتیب با توانایی پیش بینی جریانهای وارداتی بطور دقیق تر و با اطمینان بالاتری سیاست گذاران می توانند تداوم یک برنامه تعدیل و عوامل تعیین کننده سرعت تعدیل مناسب در فرآیند آزادسازی تجاری را ارزیابی نمایند و از به خطر افتادن تجارت خارجی اجتناب ورزند. در رابطه با تأثیر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری و تراز پرداختها مطالعات اندکی صورت پذیرفته است. خان و زاهلر (۱۹۸۵)<sup>۱</sup> اثر آزادسازی تجاری و مالی را در آرژانتین، شیلی و اروگوئه مورد بررسی قرار دادند. آنان مشاهده نمودند که در فرآیند اصلاحات، حجم تجارت در کشورهای مورد بررسی افزایش یافته اما حسابجاری و تراز پرداختها به شدت دچار کسری شده است و همچنین این که ورود جریانهای سرمایه ای که بر اساس تفاوتهای نرخ بهره ایجاد گردیده به اندازه کافی برای تامین کسریها بدون نیاز به تعدیلات مشابه، مناسب نیست. استری و روز (۱۹۹۲)<sup>۲</sup> با به کارگیری پنج نمونه از داده های مختلف، هیچ گونه رابطه معنی داری بین تغییرات تعرفه و تراز تجاری واقعی مشاهده نمودند. آنکتاد (۱۹۹۹)<sup>۳</sup> اثر آزادسازی تجاری را بر تراز تجاری شش کشور در طی دوره ۱۹۷۰ الی ۱۹۹۵ مبتنی بر روش داده های پانل مورد مطالعه قرار داد. نتایج بیانگر رابطه منفی بین دو متغیر مذکور بوده است.

### ۳- سیر روند تأثیر آزادسازی بر تجارت

یکی از مهمترین اهداف تشکیل توافقنامه عمومی تعرفه ها و تجارت (GATT)<sup>۴</sup> در سال ۱۹۷۴، دست یابی به کاهش قابل توجه و اساسی موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای تجارت می باشد و بدین ترتیب شرایطی جهت دسترسی آزادانه کشورها به بازارهای بین المللی فراهم آمد. اصلاحات سیاست تجاری در کشورهای در حال توسعه به طور وسیع و گسترده ای به اجرا درآمده و این امر عمدتاً به خاطر آن است که

1) M.S. Khan and R. Zahler(1985), Determinants of Current Account Balances of Non-Oil Developing Countries in the 1970s: An Empirical Analysis, *IMF Staff Papers*, December.

2) J. Ostery and A. Rose(1992), An Empirical Evaluation of the Macroeconomic Effects of Tariffs, *Journal of International Money and Finance*, Vol.11.

3) UNCTAD(1999), *Trade and Development Report 1999* (Geneva).

4) General Agreement on Tariffs and Trade

اصلاحات تجاری در این کشورها منتج از بخشی از برنامه های تعدیل ساختاری بود که توسط سازمانهای بین المللی به اجرا در می آمد.<sup>۱</sup> علاوه بر این، تغییر در تفکرات ذهنی و شواهد تجربی که توسط مطالعات بین کشوری (با استفاده از شاخصهای مختلف انحرافات تجاری)، انجام شده و در آن ویژگیهای یک اقتصاد برون گراتر و شکست سیاستهای حمایتی در برخی کشورهای در حال توسعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، از عوامل مهم در اصلاحات سیاست تجاری محسوب می شود. از الزامات صریح در این ادبیات آن است که کشورهای در حال توسعه می بایست راهبردهای تجاری حمایتی و محدودکننده را حذف و بخشهای تجاری خارجی شان را باز نمایند.<sup>۲</sup>

در رابطه با موانع تعرفه ای مذاکرات تجاری موفقیت آمیزی جهت اصلاحات اساسی و کاهش تعرفه ها صورت پذیرفته است. اما این امر در رابطه با موانع غیر تعرفه ای هنوز با مشکل مواجه می باشد. با این حال هم اکنون مذاکرات تجاری و اصلاحات زیادی در این خصوص انجام شده است.

کمیابی منابع ارزی و محدودیتهای ترازپرداختهای یکی از دغدغه های اصلی در طراحی سیاستهای تجاری کشورهای در حال توسعه محسوب می گردد. در بسیاری از مواقع، رژیمهای تجاری با حمایت بالا (در این حالت وجود تعرفه ها و همچنین استفاده وسیع از سایر ابزارهای موانع تعرفه ای) برای حل مشکلات ناشی از کسری ترازپرداختها و همچنین به عنوان ابزاری برای حفظ ثبات کلان اقتصادی و رشد اقتصادی ایجاد شده اند.

اغلب کشورهای مورد بررسی در این مطالعه رژیم تجاری شان را در اواسط دهه ۱۹۸۰ (به جز شیلی که در اواسط دهه ۱۹۷۰ و ایران که یک بار در اوایل دهه ۱۹۷۰ و بار دیگر در اوایل دهه ۱۹۹۰) اصلاح نموده و سیاستهای تجاری را مورد بازنگری قرار دادند؛ به طوری که کنترلهای سیاست تجاری (به طور قالب بر واردات) را مرتفع نموده و همچنین به دنبال آن به آزادسازی حساب سرمایه شان اقدام نمودند. در رابطه با سیاستهای صادراتی، بسیاری از محدودیتهای یا سیاستهای ضد صادراتی برداشته شد. حذف انواع مالیات بر صادرات توأم با اصلاح تعرفه ها و کاهش سیاستهای متداول ضد صادراتی که به عنوان نتیجه ای از سیاستهای جانمایی واردات اعمال می شد، در تمامی کشورها به تدریج اصلاح گردید. به عنوان یک نتیجه، سیاستهای زیر در این گروه از کشورها اجرا گردید: اولاً، کاهش یا حذف عوارض

1) See, IMF(2000), Dean et al (1994), UNTACD (1999, 2000).

2) Edwards (1992, 1993); Krueger (1998); Rodriguez and Rodrick (2000)' Thriwall (2000)' Ben-David et al (1999).

صادراتی و موانع اجرایی و سایر موانع غیرمقداری. ثانیاً برقراری امتیازات مالیاتی و برنامه تبلیغاتی استرداد حقوق گمرکی. ثالثاً، کاهش و یا حذف موانع اجرایی نظیر ساده سازی فرآیندهای صادرات و حذف معجزه‌های صادراتی. کمک به رقابت خارجی اساساً از طریق تسهیل قوانین سرمایه گذاری خارجی و مشوق های مالیاتی برای بنگاههای خارجی از دیگر ویژگی این گونه سیاستها در جهت حذف سیاستهای ضدصادراتی محسوب می گردد. رابعاً، طرحی جهت حفظ و بازگرداندن ارز (FERS)<sup>۱</sup> برای صادرکنندگانی که برخی مواقع تحت شرایط رژیمهای کنترلی واردات بسیار محدود فعالیت می نمودند. FERSها مشوقی ضمنی برای صادرکنندگان محسوب می گردد به طوری که آنان را قادر می سازد تا بخشی از درآمدهای ارزی شان را صرف پرداخت نهاده های وارداتی مورد نیاز خود نمایند. در نهایت، تشکیل نمایندگیهای توسعه صادرات و تصویب قوانین برای جهش صادراتی و تأمین مالی اهداف شان همچنین به عنوان یک ابزار مشوق صادراتی استفاده شده است.

در رابطه با آزادسازی واردات، هر چند اصلاحات اساسی مانند کاهش تعرفه ها در این کشورها صورت پذیرفته اما اهداف مورد نظر با توجه به موانع غیرتعرفه ای حاصل نگردیده است. موانع غیرتعرفه ای به راههای مختلف واردات را تحت تأثیر قرار می دهد که از آن جمله می توان به موانع سیاست وارداتی (موانع یا محدودیتهای واردات از طریق الزامات توافق وارداتی)، الزامات متعارف و اجرایی جهت اطمینان از کیفیت کالاها جهت ورود به بازارهای داخلی (از این ابزار بیشتر کشورهایی که سیاستهای حمایتی بکار می گیرند استفاده می نمایند)، اقدامات ضد دامپینگ برای حمایت از صنایع داخلی برای جلوگیری از آسیب ناشی از دامپینگ با یارانه های وارداتی، حمایتهای دولتی، موانع خدمات رسانی و فقدان حمایت کافی از حقوق مالکیت فکری و غیره اشاره نمود. وجود یک چنین موانعی از اهمیت بالایی برخوردار است اما سازمان تجارت جهانی (WTO)<sup>۲</sup> استفاده برخی از آنها را به عنوان نوعی حمایت از بازارهای داخلی به ویژه برای بخشهای بهداشتی پذیرفته و مورد تأیید قرار داده است. علی رغم این موضوع، نگرانی جدی در این رابطه آن است که کشورها باید به کارگیری موانع غیرتعرفه ای را حذف نمایند، زیرا چنین روشهایی را می توان روش های تبدیل یافته از حمایت دانست.

همچنین، اصلاحات در سیاست ارزی یک بخش جدایی ناپذیر از آزادسازی محسوب می گردد.

1) Foreign Exchange Retention Schemes.

2) World Trade Organization.

بطور صریح، در کشورهایی با انحرافات ارزی وسیع، اصلاحات به صورت یکسان سازی رژیم ارزی و حذف کنترل‌های ارزی انجام می‌پذیرد.

هر یک از کشورها ضرورتاً کاهش انحرافات تجاری را به نسبت‌های مختلف تجربه نموده‌اند. در بسیاری از موارد اصلاحات هنوز برجسته بوده و ادامه دارد. ساده سازی فرآیند واردات، کاهش یا حذف سهمیه‌ها و عقلایی سازی ساختار تعرفه‌ها و اتخاذ تسهیلات صادراتی و کاهش موانع تعرفه‌ای و حذف موانع غیرتعرفه‌ای از گسترده‌ترین و شایع‌ترین اصلاحات می‌باشد. همچنین در این رابطه شاخص‌های سیاست تجاری با اهمیتی وجود دارند. تعرفه‌های وارداتی و صادراتی یک شاخص متعارف در این رابطه بوده که اثرات منفی مالیات بر تجارت را بر رشد واردات و صادرات (برحسب مقدار) نشان می‌دهد.

جدول (۱) و (۲) میزان عوارض صادراتی و وارداتی (درجه حمایت) و همچنین متوسط نرخ رشد سالانه صادرات و واردات کشورها را در دوره قبل و بعد از آزادسازی تجاری نشان می‌دهد. در بهترین حالت، اصلاحات، به ویژه آزادسازی تجاری را می‌توان به کاهش در مالیات بر واردات و صادرات مرتبط نمود. از آن جایی که تمامی کشورها بر صادرات تأکید فراوانی داشته‌اند، با آزادسازی تجاری عوارض صادراتی برای اغلب کشورها به سمت صفر میل نموده به طوری که متوسط رشد سالانه صادرات از ۶/۸۲ درصد قبل از آزادسازی تجاری به ۱۰/۰۳ درصد بعد از آزادسازی تجاری افزایش می‌یابد (در این حالت هیچ‌گونه کنترلی بر سایر عوامل مؤثر وجود ندارد). در مورد واردات، آزادسازی تجاری تعرفه را به طور متوسط از ۱۵/۲۴ درصد (سالانه) به ۱۳/۰۹ درصد کاهش می‌دهد. لذا به طور شهودی ملاحظه می‌گردد که تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد واردات بزرگتر از رشد صادرات است اما این که این اثر به چه میزان بوده به تنهایی بدون توجه به سایر عوامل اثرگذار مشخص نمی‌گردد. کشورهایی نظیر کلمبیا، جمهوری دومینکن، اکوادور، هند، کره، مالزی، مکزیک، پاراگوئه و ایران درصد قابل توجهی از کاهش عوارض مالیاتی توام با دوره آزادسازی را نشان می‌دهند. سایر کشورها نظیر شیلی، تایلند، مراکش، اروگوئه، کامرون و تونس همچنین دریافتی‌های عوارض وارداتی آنان (به عنوان نسبتی از کل واردات) به طور ملایم و آهسته در حال کاهش می‌باشد. به جز اندونزی و کاستاریکا که عوارض صادراتی شان را به طور ملایم کاهش داده‌اند، سایر کشورها نیز درصد قابل توجهی از عوارض صادراتی شان را کاهش داده و در اغلب موارد به صفر رسانده‌اند.

جدول (۳) رفتار مالیات بر تجارت و تراز تجاری را قبل و بعد از آزادسازی نشان می‌دهد. در این

جدول (۱) عوارض صادراتی و رشد صادرات قبل و بعد از آزادسازی تجاری

کشور	سال آزادسازی	قبل از آزادسازی		بعد از آزادسازی	
		عوارض صادراتی	رشد صادرات	عوارض صادراتی	رشد صادرات
$0 \leq d < 1$ درصد					
شیلی	۱۹۷۶	۰/۰	۸/۸	۰/۰	۱۰/۲
اندونزی	۱۹۸۶	۰/۶	۴/۶	۰/۵	۹/۴
کره جنوبی	۱۹۹۰	۰/۰	۱۶/۰	۰/۰	۱۵/۳
مالاوی	۱۹۹۱	۰/۴	۴/۴	۰/۰	۵/۲
پاراگوئه	۱۹۸۹	۰/۷	۱۱/۶	۰/۰	۹/۵
ونزوئلا	۱۹۹۱	۰/۰	-۰/۷	۰/۰	۶/۴
ایران	۲۰۰۱	۰/۰	۴/۶	۰/۰	۱۵/۵
$1 \leq d < 3$ درصد					
اکوادور	۱۹۹۱	۱/۶	۱۲/۰	-۰/۳	۸/۶
هند	۱۹۹۱	۱/۴	۶/۵	-۰/۲	۱۲/۲
مکزیک	۱۹۸۶	۲/۰	۹/۵	-۰/۰۲	۱۲/۸
مراکش	۱۹۸۴	۲/۱	۴/۳	-۰/۵	۷/۳
فیلیپین	۱۹۸۶	۱/۴	۶/۴	-۰/۱	۱۰/۹
تایلند	۱۹۸۶	۲/۷	۸/۸	-۰/۳	۱۴/۶
اروگوئه	۱۹۸۵	۱/۱	۶/۹	۰/۴	۷/۶
تونس	۱۹۸۹	۱/۲	۷/۴	-۰/۳	۴/۹
زامبیا	۱۹۹۰	۲/۴	-۱/۱	-۰/۰	۴/۹
$3 \leq d < 5$ درصد					
کامرون	۱۹۹۱	۴/۲	۹/۱	۱/۸	-۰/۹
کلمبیا	۱۹۹۱	۴/۵	۵/۷	-۰/۳	۸/۶
پاکستان	۱۹۹۱	۴/۰	۶/۰	-۰/۰	۳
$5 \leq d < 10$ درصد					
کاستاریکا	۱۹۹۰	۷/۹	۶/۲	۲/۶	۸/۷
دومینکن	۱۹۹۲	۵/۳	۶/۶	-۰/۰۱	۲۹/۳
مالزی	۱۹۸۸	۶/۹	۸/۹	۱/۷	۱۴/۱
$10 \leq d$ درصد					
سریلانکا	۱۹۹۰	۱۳/۵	۴/۳	۰/۷	۹/۳
متوسط		۲/۷۸	۶/۸۲	۰/۴۲	۱۰/۰۳

\*  $d$  عوارض صادراتی است، منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه Ameliao, Santos- Paulino & A.P. (2002) و برای ایران مربوط به محاسبات مؤلف براساس آمار WDI (2003) می باشد.

جدول کشورها برحسب عملکرد کلی تراز تجاری شان (متوسط تراز تجاری به عنوان سهمی از GDP) مبنی بر این که بعد آزادسازی با بهبود و یا کسری مواجهه شده اند، طبقه بندی گردیده است. تقریباً در نیمی از کشورها با آزادسازی تجاری و کاهش در مالیاتهای تجاری (عمدتاً بر واردات) با کسری تراز تجاری

جدول (۲) عوارض وارداتی و رشد واردات قبل و بعد از آزادسازی تجاری

کشور	سال آزادسازی	قبل از آزادسازی		بعد از آزادسازی	
		رشد واردات	عوارض وارداتی	رشد واردات	عوارض وارداتی
درصد $0 \leq d < 5$					
اندونزی	۱۹۸۶	۴/۸۲	۷/۵۵	۵/۱۱	۸/۵۹
درصد $5 \leq d < 10$					
کاستاریکا	۱۹۹۰	۹/۷۲	۲/۹۵	۷/۹۷	۹/۰۵
کره جنوبی	۱۹۹۰	۸/۶۸	۱۲/۵۳	۵/۵۵	۹/۳۵
مالزی	۱۹۸۸	۸/۴۱	۱۰/۰۶	۵/۰۹	۱۵/۴۸
مکزیک	۱۹۸۶	۸/۲۷	۷/۹۴	۴/۶۹	۱۳/۴۴
پاراگوئه	۱۹۸۹	۸/۵۹	۱۱/۰۲	۴/۸۸	۲۲/۸۸
درصد $10 \leq d < 15$					
شیلی	۱۹۷۶	۱۳/۹۳	۲/۴۹	۱۲/۴۲	۹/۸۸
فیلیپین	۱۹۸۶	۱۳/۴۸	۲/۸۴	۱۳/۹۷	۱۳/۱۲
سريلانكا	۱۹۹۰	۱۳/۳۸	۷/۹۳	۱۳/۴۱	۸/۷۷
تایلند	۱۹۸۶	۱۲/۸۱	۶/۱۲	۹/۶۶	۱۱/۶۶
ونزوئلا	۱۹۹۱	۱۰/۰۵	۶/۴۰	۱۰/۱۱	۱۲/۷۱
زامبیا	۱۹۹۰	۱۰/۰۷	-۴/۲۳	۱۶/۶۷	۲/۳۴
ایران	۲۰۰۱	۱۱/۸۳	۱۲/۳۰	۱۸/۹۵	۲۰/۸۶
درصد $15 \leq d < 20$					
کلمبیا	۱۹۹۱	۱۵/۰۴	۴/۹۹	۹/۱۷	۱۴/۵۲
دومینکن	۱۹۹۲	۱۸/۹۸	۵/۳۸	۱۵/۰۳	۸/۰۵
اکوادور	۱۹۹۱	۱۵/۸۱	۱/۷۸	۸/۸۹	۶/۶۹
ماراکو	۱۹۸۴	۱۹/۱۱	۳/۳۱	۱۶/۶۵	۶/۴۹
اروگوئه	۱۹۸۵	۱۶/۲۷	-۱/۵۳	۱۰/۶۵	۱۱/۳۹
درصد $20 \leq d$					
کامرون	۱۹۹۱	۲۱/۶۵	۶/۷۷	۲۰/۹۸	۳/۴۰
هند	۱۹۹۱	۳۸/۵۹	۶/۷۹	۲۷/۷۷	۱۰/۹۳
مالاوی	۱۹۹۱	۲۱/۴۷	۲/۲۸	۲۱/۳۶	۱/۸۳
پاکستان	۱۹۹۱	۲۶/۸۲	۳/۶۳	۲۱/۳۳	۴/۸۴
تونس	۱۹۸۹	۲۳/۸۳	۶/۰۱	۲۱/۲۹	۴/۶۳
متوسط		۱۵/۲۴	۵/۴۹	۱۳/۰۹	۱۰/۰۴

\*  $d$  عوارض وارداتی است، منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه (Ameliau, Santos- Paulino (2002) و برای ایران مربوط به محاسبات مؤلف براساس آمار WDI (2003) می باشد.

مواجه هستند، به طوری که دامنه آن بین ۰/۳ تا ۰/۱۳ درصد از GDP قرار دارد. جدول (۴) عملکرد صادرات، واردات و نرخ ارز واقعی را برای کشورهای در حال توسعه مورد مطالعه نشان می دهد. در این جدول رشد مقادیر متغیرها بر اساس اولین دو سال بعد از آزادسازی تجاری و در طول دوره موفقیت آنان



جدول (۳) مالیاتهای تجاری و تراز تجاری قبل و بعد از آزادسازی تجاری

کشور	سال آزادسازی	قبل از آزادسازی			بعد از آزادسازی		
		عوارض وارداتی	عوارض صادراتی	تراز تجاری	عوارض وارداتی	عوارض صادراتی	تراز تجاری
<b>بهبود تراز تجاری</b>							
$TB \leq 2$							
شیلی	۱۹۷۶	۱۳/۹	۰/۰	-۱/۲	-۶/۷	۱۲/۴	۵/۱
کره	۱۹۹۰	۸/۷	۰/۰	-۰/۹	-۰/۷	۵/۶	-۰/۱
دومینکن	۱۹۹۲	۱۸/۹	۵/۳	-۷/۴	-۴/۳	۱۵/۰	-۳/۲
اکوادور	۱۹۹۱	۱۵/۸	۱/۶	۰/۱	-۵/۳	۸/۹	-۴/۳
سرلانکا	۱۹۹۰	۱۳/۴	۱۳/۵	-۱۰/۶	-۵/۹	۱۳/۴	-۴/۵
تونس	۱۹۸۹	۲۳/۸	۱/۲	-۶/۳	-۶/۰	۲۱/۳	-۴/۲
ونزوئلا	۱۹۹۱	۱۰/۱	۰/۰	۳/۱	۰/۹	۱۰/۱	۱/۸
$2 < TB \leq 5$							
کامرون	۱۹۹۱	۳۱/۷	۴/۲	-۰/۹	-۵/۶	۲۱/۰	-۲/۸
پاکستان	۱۹۹۱	۲۶/۸	۴/۰	-۱۰/۱	-۳/۳	۲۱/۳	-۴/۱
پاراگوئه	۱۹۸۹	۸/۶	۰/۷	-۵/۸	-۵/۶	۴/۹	-۱/۴
تایلند	۱۹۸۶	۱۲/۸	۲/۷	-۴/۷	-۵/۳	۹/۷	-۱/۶
اروگوئه	۱۹۸۵	۱۶/۳	۱/۱	-۱/۳	-۳/۴	۱۰/۷	-۰/۷
$5 < TB \leq 10$							
مراکش	۱۹۸۴	۱۹/۱	۲/۱	-۱۴/۰	-۱۱/۰	۱۶/۷	-۱/۹
<b>کسری تراز تجاری</b>							
$TB \leq 2$							
کاستاریکا	۱۹۹۰	۹/۷	۷/۹	-۲/۸	-۸/۲	۸/۰	-۴/۳
هند	۱۹۹۱	۳۸/۶	۱/۴	-۲/۱	-۱/۰	۳۷/۸	-۱/۱
اندونزی	۱۹۸۶	۴/۸	۰/۶	۴/۰	-۱/۷	۵/۱	-۱/۹
مالزی	۱۹۸۸	۸/۴	۶/۹	۳/۴	-۱/۸	۵/۱	-۳/۶
مکزیک	۱۹۸۶	۸/۳	۲/۰	۲/۱	-۱/۹	۴/۷	-۲/۸
فیلیپین	۱۹۸۶	۱۳/۵	۱/۴	-۲/۹	-۵/۳	۱۴/۰	-۲/۶
ایران	۲۰۰۱	۱۱/۸۳	۰/۰	۰/۱	۹/۵۴	۱۸/۹۵	۲۲۰
$2 < TB \leq 5$							
کلمبیا	۱۹۹۱	۱۵/۰	۴/۵	-۰/۴	-۱/۳	۹/۲	-۲/۸
زامبیا	۱۹۹۰	۱۰/۱	۲/۴	-۱/۱	-۱۲/۱	۱۶/۷	-۴/۴
$5 < TB \leq 10$							
مالاوی	۱۹۹۱	۲/۵	۰/۴	-۷/۶	-۱۰/۱	۲/۴	-۵۸/۳

\* d عوارض صادراتی است، منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه Ameliau, Santos- Paulino & A.P. (2002) و Thirwall (2002) و برای ایران مربوط به محاسبات مؤلف براساس آمار (2003) WDI و ترازنامه بانک مرکزی ۱۳۸۲ می باشد.

متمايز شده است.<sup>۱</sup> بر اساس جدول مشاهده می گردد در اولین دو سال بعد از آزادسازی تجاری در تمامی کشورها بجز کامرون، مراکش، زامبیا، جمهوری دومینکن، اکوادور و اندونزی واردات بیشتر از صادرات رشد یافته است و نرخ واقعی ارز تقریباً در تمامی کشورها کاهش یافته است.<sup>۲</sup> به هر حال اثر کاهش ارزش

۱- در رابطه با ایران لازم به ذکر است به دلیل آن که آخرین و بیشترین اصلاحات در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) رخ داده است این سال مبنای محاسبات قرار گرفته است. اما به لحاظ آن که این سال در سالهای پایانی دامنه زمانی مورد مطالعه حاضر قرار دارد از این موضوع مستثنا شده به طوری که اعداد برای ایران در حالت اول برای سال اول و برای حالت دوم، دو سال در نظر گرفته شده است.

۲- درباره ایران مشاهده می گردد علاوه بر رشد بالاتر واردات نسبت به صادرات، نرخ واقعی ارز نیز افزایش یافته است.

پول در بهبود رقابت پذیری برای افزایش رشد صادرات در تمامی کشورها واضح و یکسان نبوده و همواره توسط اثر منفی رشد بالای واردات بر تراز تجاری در مراحل اولیه بعد از آزادسازی تجاری جبران نمی گردد. در سالهای بعدی تقریباً در نیمی از کشورها رشد صادرات شتاب بیشتری یافته است. در برخی از کشورها نظیر کلمبیا، مکزیک، اروگوئه، ونزوئلا، کره، هند و ایران رشد بالای صادرات توأم با کاهش بیشتر رشد واردات همراه می باشد. در حالی که در سایر کشورها واردات به طور پایدار و مداوم سریعتر از صادرات افزایش یافته است. در کشورهای مالای، مراکش، تونس، جمهوری دومینکن، اکوادور، ونزوئلا، کره، مالزی، فیلیپین، تایلند و پاکستان رشد صادرات نسبت به رشد واردات در سالهای بعد از آزادسازی تجاری افزایش یافته است. با وجود این همان طور که در جدول (۳) مشاهده گردید، کسری تجاری همواره بعد از آزادسازی تجاری به اندازه کافی کنترل نشده و کاهش نیافته است. این امر به این دلیل است که یا قبل از آزادسازی تجاری کسری بالایی وجود داشته و یا افزایش اولیه واردات بسیار شدید بوده و یا اینکه صادرات همانند واردات نتوانسته است به اندازه کافی به رفع موانع تجاری واکنش نشان دهد. به هر حال این موضوع سؤالیهای بسیاری را در شواهد تجربی به وجود می آورد که این امر در بخش بعدی مقاله به طور دقیق به آن پرداخته می شود.

بررسی تغییرات نرخ ارز واقعی در این دوره تاحدی پیچیده است، اگرچه در برخی از کشورهای آمریکای لاتین، شرق آسیا و جنوب و غرب آسیا افزایش نرخ ارز واقعی مشاهده می گردد اما باید به این نکته توجه داشت که ارقام ارائه شده در جدول (۳) (به استثنای ایران) متناظر با یک دوره متوسط بلندمدت (تا ده سال) می باشد؛ همچنین این نوع از اطلاعات متوسط منطقه ای را که شامل وقایعی که توسط این نتایج توضیح داده نشده است نشان می دهند. در این رابطه مشاهده می گردد در برخی از کشورها و یا مناطقی که اقدام به آزادسازی تجاری نموده اند به عنوان مثال افزایش ارزش پول پزوی مکزیک تا بحران ۹۴ - ۹۵ ادامه یافت و در مورد مالزی و تایلند افزایش ارزش پول با فروپاشی بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷ متوقف گردید.

اما در رابطه با موانع غیر تعرفه ای، این موضوع بسیار مشکل است که بتوان آن را در قالب یک عدد یا شاخص برای اغلب کشورهای در حال توسعه منتشر نمود (عمدتاً به دلیل عوامل و شرایط متفاوت تأثیرگذار در این خصوص و گاهی اوقات فقدان اطلاعات). برخی از پژوهشگران سعی نمودند از معیارهای متفاوتی جهت اندازه گیری موانع غیر تعرفه ای استفاده نمایند که یکی از آنها استفاده از متغیرهای

مجازی برای نمایش تغییرات ساختاری در اصلاحات سیاست تجاری است. در ارتباط با این موضوع از سال ۱۹۹۵ بنیاد هریتیج (Heritage) شاخص درجه آزادی اقتصاد و مجموعه عواملی را که به طور مستقیم سهم قابل توجهی در تعیین درجه آزادی اقتصادی دارد سالانه منتشر می‌سازد. این شاخص قلمرو وسیعی از عوامل نهادی اقتصادی را دربرمی‌گیرد که یکی از عناصر کلیدی آن در اندازه‌گیری درجه آزادی اقتصادی، سیاست تجاری است. در این رابطه کشورها، بر حسب مقیاس درجه سیاست تجاری در پنج گروه، بسیار پایین، متوسط، بالا و بسیار بالا طبقه‌بندی می‌گردند. جدول (۴) رتبه‌های سیاست تجاری بر حسب متوسط نرخ تعرفه کشوری را نشان می‌دهد. هرچه نرخها بالاتر قرار گیرد حاکی از وضعیت بد آن کشور می‌باشد.<sup>۱</sup> سایر عوامل سیاست تجاری موانع غیر تعرفه‌ای و انحراف در خدمات گمرکی است. شاخص مذکور در فاصله یک تا پنج تغییر می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست دولت تا چه اندازه به عنوان یک عدم انگیزه در تجارت عمل می‌کند. همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، به طور متوسط اغلب کشورها در طبقه میانه (وسط) همراه با سطح تعرفه در جدول (۱) قرار دارند. همچنین کشورهایی که دارای محدودیتهای سیاست تجاری با درجه بالا می‌باشند، سطوح تعرفه‌ای بالایی به کار می‌برند.

نمودار (۱) روند تراز حساب جاری و تجاری به صورت درصدی از GDP و همچنین رشد اقتصادی را برای کشورهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد. همان‌طوری که در جدول (۳) نشان داده شد این نسبت بین ۲ تا ۱۰ درصد قرار دارد. در این رابطه منطقه افریقا بالاترین نسبت در حدود ۱۰ درصد و سایر مناطق در حدود ۳ درصد می‌باشد. افزایش کسری حساب جاری در منطقه افریقا عمدتاً به دلیل کسری بالای ۵۸/۳- درصدی بعد از آزادسازی تجاری در مالای است. اما این کسری در اواسط سال ۱۹۹۸ با کاهش واردات که ناشی از کاهش ارزش پول ملی و عملکرد بخش تنباکو که عمده‌ترین محصول صادراتی این کشور محسوب می‌گردد، تا حدی تعدیل گردید. در این میان تنها کشورهای جنوب و غرب آسیا علایم بهبودی در اقتصادشان در اواخر دهه ۱۹۹۰ مشاهده می‌گردد. این روند در این کشورها عمدتاً به لحاظ تغییرات مناسب در تراز تجاری و جریان خروج سرمایه خارجی حاصل گردیده است. در رابطه با تراز تجاری مشاهده می‌گردد روند تغییرات این متغیر مشابه و هم‌جهت با تراز حساب جاری است. در مناطق شرق آسیا و

۱- اگر متوسط نرخهای تعرفه موجود نباشد، متوسط نرخ تعرفه توسط درآمدهای ناشی از تعرفه‌ها و عوارض به عنوان درصد از کل واردات محاسبه می‌گردد. همچنین این اطلاعات پیرامون ساختار کلی تعرفه، نرخهای متنوع آن و نرخهایی که از آن برای تخمین یک نرخ حمایت مؤثر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

جدول (۴) رشد صادرات و واردات و جهش نرخ ارز واقعی بعد از آزادسازی تجاری

کشور	سال آزادسازی	اولین دوسال بعد از آزادسازی (رشد)			متوالی بعد از آزادسازی (رشد)		
		صادرات	واردات	نرخ واقعی ارز	صادرات	واردات	نرخ واقعی ارز
کامرون	۱۹۹۱	۲۱/۷	۴/۲	-۵/۶	۲۱/۰	۱/۸	-۲/۸
مالاوی	۱۹۹۱	۲۱/۵	۰/۴	-۱۰/۱	۲۱/۴	۰/۱۰	-۵۸/۳
مراکش	۱۹۸۴	۱۹/۱	۲/۱	-۱۱/۰	۱۶/۷	۰/۵	-۱/۹
تونس	۱۹۸۹	۲۳/۸	۱/۲	-۶/۰	۲۱/۳	۰/۳	-۴/۲
زامبیا	۱۹۹۰	۲۶/۶	۱۶/۱	-۵/۴	-۰/۶	-۲/۳	۳/۵
شیلی	۱۹۷۶	۱۳/۹	۰/۰	-۶/۷	۱۲/۴	-۱/۰	۵/۱
کلمبیا	۱۹۹۱	۵/۹	۳۸/۲	۴/۱	۶/۸	۸/۹	۹/۴
کانستاریکا	۱۹۹۰	۱۰/۳	۱۱/۸	-۰/۵	۸/۰	۸/۱	۱/۹
دومینکن	۱۹۹۲	۶۴/۸	۲/۵	۴/۳	۱۲/۱	۸/۹	۲/۱
اکوادور	۱۹۹۱	۷/۰	۰/۹	۶/۹	۵/۲	۴/۶	۲/۷
مکزیک	۱۹۸۶	۸/۴	۲۰/۹	۹/۵	۱۲/۰	۱۴/۱	۲/۷
پاراگوئه	۱۹۸۹	۱۹/۰	۹۸/۰	۶/۶	۶/۶	۵/۱	۰/۷
اروگوئه	۱۹۸۵	۱/۵	۲۲/۶	-۲/۳	۹/۰	۱۰/۵	۴/۶
ونزوئلا	۱۹۹۱	۵/۰	۹/۹	۴/۵	۷/۶	۴/۱	۱۱/۸
شرق آسیا							
اندونزی	۱۹۸۶	۷/۸	-۸/۴	-۱۶/۲	۹/۱	۱۲/۰	۰/۱۵
کره	۱۹۹۰	۱۱/۲	۱۲/۳	-۲/۹	۱۷/۰	۷/۶	۰/۳
مالزی	۱۹۸۸	۱۷/۳	۲۵/۱	-۱/۱	۱۳/۵	۱۰/۵	-۲/۱
فیلیپین	۱۹۸۶	۱۰/۶	۲۴/۱	-۶/۲	۱۰/۳	۹/۵	۱/۷
تایلند	۱۹۸۶	۲۴/۵	۳۶/۶	-۶/۴	۱۲/۴	۷/۹	۱/۰
جنوب غرب آسیا							
هند	۱۹۹۱	۳۸/۶	۱/۴	-۱/۰	۲۷/۸	۰/۲	-۱/۱
پاکستان	۱۹۹۱	۲۶/۸	۴/۰	-۳/۳	۲۱/۳	۰/۰	-۴/۱
سريلانكا	۱۹۹۰	۱۳/۴	۱۳/۵	-۵/۹	۱۳/۴	۰/۷	-۴/۵
ایران	۲۰۰۱	۱۸/۱۳	۲۱/۱۷	۱۴/۱۳	۱۹/۲۲	۱۷/۵۵	۱۷/۱۳
متوسط							
		۱۸/۱۲	۱۵/۹۴	-۱/۷۶	۱۳/۲۵	۵/۶۸	-۰/۶۱

منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه (Ameliiau, Santos-Paulino & A.P. Thirwall (2002) و برای ایران مربوط به محاسبات مؤلف براساس آمار WDI (2003) و ترازنامه بانک مرکزی ۱۳۸۲ می باشد.

جنوب و غرب آسیا در اواخر دهه ۱۹۹۰ کاهش کسری تراز تجاری مشاهده می‌گردد، به طوری که به طور متوسط این کسری در دامنه ۰/۲ و ۷ درصد در نوسان می‌باشد.

جدول (۵) طبقه‌بندی کشورها بر اساس مقیاس درجه‌بندی سیاست تجاری بنیاد هریتیج: ۱۹۹۵-۲۰۰۰

کشورها	معیار	میزان حمایت
—	درصد و یا موانع غیر تعرفه‌ای $ATR \leq 4$ بسیار پایین	بسیار پایین
شیلی اروگوئه پاراگوئه	درصد و یا موانع غیر تعرفه‌ای $4 < ATR \leq 9$ پایین	پایین
کلمبیا کاستاریکا اکوادور کره جنوبی مالزی مکزیک فیلیپین تایلند سریلانکا ونزوئلا زامبیا	درصد و یا موانع غیر تعرفه‌ای $9 < ATR \leq 14$ متوسط	متوسط
ماراکو دومینکن اندونزی	درصد و یا موانع $14 < ATR \leq 19$ غیر تعرفه‌ای بالا	بالا
پاکستان هند تونس مالاوی ایران	درصد و یا موانع غیر تعرفه‌ای $ATR \geq 19$	بسیار بالا

ATR بیانگر متوسط نرخ تعرفه است.

منبع: برای کشورهای منتخب در حال توسعه (Ameliiau.Santos-Paulino&A.P.Thirwal(2002) و برای ایران مربوط به محاسبات مؤلف بر اساس آمار WDI(2003) و ترازنامه بانک مرکزی ۱۳۸۲ می‌باشد.

#### ۴- معرفی الگوی نظری و تخمین مدل اقتصاد سنجی

در این بخش ضمن معرفی الگوهای نظری تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختها در هر بخش به تخمین و تجزیه و تحلیل الگوهای مذکور برای کشورهای در حال توسعه منتخب در طی دوره زمانی ۱۹۷۱-۲۰۰۲ می‌پردازیم. اما قبل از ورود به مرحله فوق ابتدا به معرفی متغیرهای الگو و منابع آماری می‌پردازیم.

##### ۴-۱- معرفی متغیرهای الگو و منابع آماری

داده‌های مورد نیاز جهت تخمین مدل به صورت سالانه از سال ۱۹۷۱-۲۰۰۲ برای ۲۳ کشور در حال توسعه منتخب به شرح زیر است:

- عوارض وارداتی (dm): شامل تمام سطوح عوارض و مالیات بر روی کالاها در نقطه ورود به

کشور می باشد (WDI(2003).

- عوارض صادراتی ( $dx$ ): شامل تمام سطوح عوارض و مالیات بر روی کالاها در نقطه خروج از

کشور می باشد (WDI(2003).

- رشد نرخ واقعی ارز: برابر است با نسبت قیمت‌های وارداتی ( $\frac{P_d E}{P_f}$ ) به طوری که  $P_d$  قیمت‌های داخلی،  $E$  نرخ اسمی ارز و  $P_f$  قیمت‌های خارجی است. داده‌های RER برای کشورهای کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور، هند، اندونزی، مالزی، مکزیک، پاکستان، فیلیپین، سریلانکا، تایلند و تونس از مطالعه Bahmani-oskooe & Mirzai (2000) استفاده شده است و مابقی کشورها از IFS (2003) کمک گرفته شده است و داده‌های RER برای اقتصاد ایران محاسبه شده است.

- رشد درآمد ( $y$ ): رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) به دلار ثابت (۱۹۹۵) (WDI(2003).

- رشد درآمد جهانی ( $w$ ): رشد تولید ناخالص داخلی جهانی به دلار ثابت (۱۹۹۵). این متغیر به صورت تفاضل بین تولید ناخالص جهانی و تولید ناخالص کشور تعریف می‌گردد. به عبارت دیگر

$$WY_i = \text{WorldGDP} - \text{GDP}_i$$

- نرخ مبادله (TOT): که همان نرخ مبادله تهاتری خالص تجاری است و به صورت نسبت شاخص ارزش واحد صادرات به ارزش واحد واردات تعریف می‌گردد (WDI(2003).

- تراز حساب جاری (BP): تراز حساب جاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (WDI(۲۰۰۳).

- تراز تجاری (TB): تراز تجاری به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (WDI(2003).

#### ۲-۴- آزادسازی تجاری، تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختها

##### ۱-۲-۴- الگوی نظری

از نظر تئوریک اثر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری و تراز پرداختها اگرچه در چارچوب تجزیه و تحلیل تراز پرداختها به آن پرداخته شده، اما هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.<sup>۱</sup> در چارچوب تعادل جزئی از رهیافت کشش، این اثر به میزان تغییر عوارض وارداتی و صادراتی و همچنین به کششهای وارداتی و صادراتی بستگی خواهد داشت.

۱- ر.ک. به: Thirwal and Gibson.

بر اساس چنین دیدگاهی اگر کشش قیمتی تقاضا بزرگتر از واحد باشد آزادسازی تجاری، درآمدهای صادراتی را افزایش خواهد داد. همچنین اگر کشش قیمتی کوچکتر از صفر باشد پرداختهای وارداتی نیز افزایش می‌یابد. سایر جنبه‌های اثرگذاری آزادسازی تجاری که تغییرات قیمتی را نیز شامل نمی‌گردد، به آسانی در چارچوب رهیافت کشش ترازپرداختها قابل توضیح نیست. در چارچوب رویکرد تعادل عمومی از رویکرد جذب ترازپرداختها، تأثیر آزادسازی تجاری به این عامل که چگونه درآمد واقعی نسبت به عامل جذب حقیقی تحت تاثیر قرار می‌گیرد، بستگی خواهد داشت. کاهش در عوارض صادراتی مخارج را به سمت کالاهای داخلی هدایت می‌کند، بدین ترتیب که درآمد افزایش می‌یابد اما با کاهش در عوارض وارداتی این تغییر جهت در مخارج به طور معکوس انجام خواهد شد. اگر میل نهایی به جذب بزرگتر از واحد باشد، حتی اگر درآمد حقیقی افزایش یابد، ترازپرداختها نیز بهبود نخواهد یافت. بدین ترتیب می‌بایست اثر مستقیم جذب را مورد توجه قرار داد. اگر آزادسازی تجاری قیمتها را کاهش دهد، این امر به افزایش جذب حقیقی از طریق اثر تراز حقیقی و توهم پولی<sup>۱</sup> منجر می‌گردد. اما در این شرایط اگر توزیع مجدد درآمد به بخش کالاهای قابل تجارت وجود داشته و همچنین میل نهایی به پس انداز بالا باشد، جذب حقیقی کاهش خواهد یافت. در رویکرد پولی ترازپرداختها اثر آزادسازی تجاری نیز به چگونگی اثر پذیری تقاضای حقیقی پول نسبت به عرضه حقیقی، بستگی دارد.

در مطالعه حاضر اثر آزادسازی تجاری بر عملکرد تجارت مبتنی بر رویکرد پولی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این امر به خاطر آن است که اگر آزادسازی تجاری سبب وخیم تر شدن موقعیت ترازپرداختها گردد شکاف اسمی بین صادرات و واردات بیانگر میزان کمبود ارز خارجی کشور می‌باشد و این که کشورها چه میزان نیاز به استقراض و وام جهت حصول به رشد پایدار دارند. در الگوسازی مطالعه حاضر تغییرات قیمتی و درآمدی کنترل شده و همچنین به طور مجزا متغیر نرخ مبادله تجاری (TOT)<sup>۲</sup> را در الگو لحاظ می‌گردد. این امر بدین دلیل است که تغییرات قیمتی محصولات صادراتی و وارداتی به طور خودکار و مستقل از اثر آزادسازی تجاری، ارزش پولی جریانهای تجاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. علاوه بر آن اثرات اسمی و حقیقی تغییرات قیمت بر جریانهای تجاری تفکیک گردیده است. اگر آزادسازی تجاری عملکرد رشد را بهبود بخشد می‌توان مقداری از اثرات آزادسازی تجاری را بر تراز تجاری و یا حساب جاری توسط متغیر رشد مورد ارزیابی قرار داد. برای کنترل این اثر در الگوی مورد نظر متغیر مجازی به صورت

1) Mony illusion

2) Terms of Trade

حاصل ضرب (با متغیر رشد) در الگو لحاظ می گردد (liby)<sup>۱</sup>. منفی بودن علامت ضریب این متغیر حاکی از آن است که آزادسازی تجاری از طریق نرخ رشد، واردات را افزایش و تراز پرداختها و حساب جاری را با کسری مواجه می سازد. در این الگو ضریب انتقالی متغیر مجازی (lib) به عنوان اثر خالص آزادسازی تجاری بر عملکرد تجارت مستقل از اثر آن از طریق عملکرد رشد اقتصادی نیز مورد ارزیابی قرار می گیرد. از دیدگاه تئوری و تجربی اثر آزادسازی تجاری بر واردات سریعتر از صادرات نیز می باشد لذا به طور پیش فرض پیش بینی می گردد اثر آزادسازی تجاری به وخیم تر شدن وضعیت تراز تجاری و تراز پرداختها منجر می گردد اما میزان آن به طور دقیق مشخص نیست. جهت آزمون اثر مستقیم کاهش عوارض و آزادسازی تجاری ابتدا تراز تجاری و حساب جاری را نسبت به اندازه اقتصاد هر کشور تعدیل می کنیم. برای این کار دو روش مورد استفاده قرار می گیرد. اولاً استفاده از تراز تجاری و حساب جاری به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی (GDP). ثانیاً به کارگیری نرخ تغییر هر دو متغیر. از آنجایی که تراز تجاری و حساب جاری تابعی از صادرات و واردات بوده و بر اساس معادلات استخراج شده از توابع استاندارد صادرات و واردات که در آن رشد صادرات و واردات تابعی از درآمد و قیمت‌های نسبی است، معادلات پویای برآوردی به صورت زیر تصریح می گردد:

$$\frac{TB}{GDP} \& \frac{d(TB)}{TB} = \theta_1 + \theta_1 TB_{it-1} + \theta_2 w_{it} + \theta_3 y_{it} + \theta_4 p_{it} + \theta_5 d_{xit} + \theta_6 d_{mit} + \theta_7 TOT_{it} + \theta_8 lib_{it} + \beta_7 (y \times lib)_{it} + \varepsilon_t \quad (1)$$

$$\frac{BP}{GDP} \& \frac{d(BP)}{BP} = \psi_1 + \psi_1 BP_{it-1} + \psi_2 w_{it} + \psi_3 y_{it} + \psi_4 p_{it} + \psi_5 d_{xit} + \psi_6 d_{mit} + \psi_7 TOT_{it} + \psi_8 lib_{it} + \psi_7 (y \times lib)_{it} + \varepsilon_t \quad (2)$$

به طوری که در آن  $TB_{t-1}$  و  $BP_{t-1}$  متغیرهای با وقفه (با علامت ضریب مورد انتظار +)،  $w$  رشد درآمد جهانی (+)،  $y$  رشد درآمد داخلی (-)،  $p$  نرخ تغییر در قیمت‌های نسبی (یا نرخ واقعی ارز) بین کشورها و رقبای آنان<sup>۲</sup>،  $d_x$  عوارض صادراتی (-)،  $d_m$  عوارض وارداتی (+)،  $TOT$  نرخ مبادله خالص اسمی (+)،  $lib$  متغیر مجازی آزادسازی تجاری<sup>۳</sup> و  $liby$  حاصل ضرب متغیر آزادسازی تجاری و رشد درآمد داخلی است.<sup>۴</sup>

۱- در این حالت مقدار متغیر رشد برای بعد از آزادسازی تجاری در الگو لحاظ می گردد.

۲- در معادلاتی که در آن  $TOT$  وجود نداشته باشد علامت ضریب  $p$  به شرط مارشال-لرنر وابسته است. در حالی که  $TOT$  وجود داشته باشد علامت ضریب  $p$ ، در صورتی که کالای جانشین خارجی برای کالای داخلی وجود داشته باشد، منفی خواهد بود.

۳- علامت ضریب این متغیر در معادله برآوردی مشخص می گردد.





## ۴-۲-۲- تخمین و تجزیه و تحلیل الگو

قبل از ورود به بحث تخمین و تجزیه و تحلیل الگو لازم است در ابتدا امکان استفاده از داده های پانل مورد ارزیابی و آزمون قرار گیرد. به عبارت دیگر آیا کشورهای مورد بررسی همگن می باشند یا خیر. در صورتی که کشورها همگن باشند به سادگی می توان از روش پانل استفاده نمود. فرضیه مذکور از طریق برآورد الگوهای زیر آزمون می گردد:

$$Y_i = Z_i \delta + U_i \quad \text{مدل مقید} \quad (۳)$$

$$Y_i = Z_i \delta_i + U_i \quad \text{مدل غیرمقید} \quad (۴)$$

$$i = 1, 2, \dots, 7 \text{ و}$$

$$H_0 : \delta_i = \delta$$

فرضیه صفر پانل بودن را مورد بررسی قرار می دهید. نتایج حاصل از آزمون فرضیه به صورت زیر است.

$$F = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2) / (N-1)K'}{(1 - R_{UR}^2) / N(T - K')}$$

به طوری که N تعداد کشورها و K یا K' تعداد متغیرهای توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است.

در این رابطه آماره آزمون F برای هر دو الگوی تراز تجاری و حساب جاری تراز پرداختها به ترتیب عبارت خواهد بود از:

$$F_1 = 0.42 \quad F_2 = 0.42$$

با مقایسه F محاسباتی فوق با جدول F مشاهده می گردد فرضیه صفر مبتنی بر نبود تفاوت های ساختاری و امکان استفاده از روشهای پانل مورد تأیید قرار می گیرد.

توابع تراز تجاری و تراز پرداختها که در معادلات (۱) و (۲) معرفی شده است امکان بررسی اثرات انحرافات سیاست تجاری و آزاد سازی تجاری بر عملکرد تراز تجاری و تراز پرداختها را در قالب دو نوع رویکرد، فراهم می سازد. به منظور برآورد الگوی پویای پانل داده ها از دو روش اثرات ثابت<sup>۱</sup> مبتنی بر

۴- علامت داخل پرانتز بعد از هر متغیر بیانگر علامت انتظاری ضرایب آنان می باشد.

1- fixed effect.

متغیرهای مجازی که تنها مشخصه های کشوری را که در طول زمان ثابت هستند و روش گشتاورهای تعمیم یافته<sup>۱</sup> (GMM)<sup>۲</sup> استفاده می گردد.

نتایج آزمون اثرآزادسازی تجاری بر تراز تجاری مبتنی بر دو روش اثرات ثابت و GMM در جداول (۶) و (۷) نشان داده شده است. در هنگام تخمین، مجموعه ابزارهایی که در تخمین معادلات تراز تجاری و تراز پرداختها (۱) و (۲) مورد استفاده قرار خواهند گرفت شامل وقفه های اول متغیرهای مستقل است. نتایج مبتنی بر دو روش مذکور بسیار نزدیک به یکدیگر بوده اما اثر آزادسازی تجاری در روش GMM از شدت بیشتری برخوردار است.

متغیر وابسته (تراز تجاری) در الگوی برآوردی (نتایج جدول (۶)) به صورت نسبتی از تولید ناخالص داخلی تصریح شده است. نتایج اثرات ثابت در ستون (۱) بیانگر آن است که تمامی ضرایب در تابع تراز تجاری دارای علامت مورد انتظار و سازگار با انتظارات نظری می باشند. ضریب متغیر رشد درآمد جهانی (۰/۸۸) دارای علامت مثبت و معنی دار است. ضریب متغیر رشد درآمد داخلی برابر ۰/۲۹- بوده و معنی دار است. اثر تغییرات قیمت نسبی به وخیم تر شدن تراز تجاری منجر می گردد، به طوری که ضریب این متغیر در الگو برابر ۰/۰۹- برآورد شده و از مقدار بالایی برخوردار است. یک درصد کاهش در عوارض صادراتی به بهبود معنی دار تراز تجاری در حدود ۰/۲۴ منجر شده در حالی که در مقابل، با یک درصد کاهش در عوارض وارداتی، تراز تجاری را در حدود ۰/۶۸ درصد و ختم تر می سازد. ضریب انتقال متغیر مجازی آزادسازی تجاری (۱/۳۵-) بیانگر آن است که واکنش تراز تجاری نسبت به آزادسازی تجاری از شدت بالا و معنی داری برخوردار است. به طوری که با آزادسازی تجاری وضعیت تراز تجاری وخیم تر می گردد. ضریب اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری برابر ۰/۲۳ برآورد گردیده است. این ضریب اثرات مشترک حذف انحرافات تراز تجاری روی کشش درآمدی را اندازه گیری می کند و بیانگر آن است که با وقوع آزادسازی تجاری و اصلاحات در رژیم سیاست تجاری، حساسیت تراز تجاری نسبت به رشد درآمد داخلی افزایش می یابد. منفی بودن علامت ضریب این متغیر حاکی از آن است که به هنگام آزادسازی تجاری، با افزایش نرخ رشد موقعیت حساب جاری با کسری بیشتری مواجه می شود.

1) Generalised methods of moments.

2) Arellano (1993) and Arellano and Bond (1998).

جدول (۶) آزادسازی تجاری و تراز تجاری

متغیر وابسته: تراز تجاری (به صورت نسبی از GDP)				
GMM		Fixed effects		متغیرهای توضیحی
(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
-۰/۶۵	۰/۶۸	۰/۷۱	-۰/۷۴	TB <sub>۱</sub>
(۲/۲۹) *	(۲/۱۳) *	(۳/۷۰) **	(۳/۴۵) **	
-۰/۷۲	۰/۸۵	۰/۷۶	-۰/۸۸	W
(۱/۹۲) *	(۴/۳۱) **	(۲/۱۰) *	(۳/۳۵) **	
-۰/۱۵	-۰/۲۵	-۰/۱۷	-۰/۲۹	Y
(-۳/۱۷) **	(-۳/۷۳) **	(-۲/۱۱) *	(-۲/۰۸) *	
-۰/۰۳	-۰/۰۶	-۰/۰۸	-۰/۰۹	P
(۳/۱۴) **	(۲/۰۷) *	(۳/۸۴) **	(۲/۳۰) *	
-۰/۳۲	-۰/۲۹	-۰/۲۷	-۰/۲۴	d <sub>x</sub>
(۳/۷۵) **	(۱/۸۹) *	(۳/۲۱) **	(۲/۳۲) *	
-۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۷۲	۰/۶۸	d <sub>m</sub>
(۱/۷۴) &	(۳/۲۵) **	(۲/۲۱) *	(۱/۵۲) &	
-۲/۷۴	-۲/۱۹	-۱/۲۰	-۱/۳۵	Lib
(۳/۴۶) **	(۱/۸۹) *	(۲/۲۳) *	(۳/۳۲) **	
-۰/۴۲	-۰/۴۵	۰/۳۲		TOT
(۲/۸۱) *	(۲/۷۲) *	(۱/۷۲) &		
-۰/۱۸		-۰/۲۱	-۰/۲۳	y×Lib
(-۳/۳۶) **		(-۱/۵۴) &	(-۲/۶۲) *	
		۰/۶۲	۰/۵۹	ضریب تعیین R <sup>۲</sup>
		۲۵/۱۷	۲۱/۴۲	آزمون هاسمن
[۰/۰۰۰]	[۰/۰۰۰]			آزمون والد
۴۰۶	۴۰۶	۲۵۶	۲۵۶	تعداد مشاهدات

• اعداد داخل پرانتز آماره t و اعداد داخل کروشه P-Value می باشند. همچنین\* معنی داری در سطح ۱ درصد، \*\* معنی داری در سطح ۵ درصد و & معنی داری در سطح ۱۰ درصد را نشان می دهد. جهت آزمون حذف متغیرهای حاصل ضرب از آماره F و از آزمون والد جهت معنی داری همزمان رگرسورها استفاده شده است

ستون دوم جدول (۶) حساسیت نتایج نسبت به ورود متغیر TOT مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی ضرایب همانند نتایج ستون اول دارای علامت مورد انتظار و معنی دار می باشند. ضریب متغیر نرخ مبادله خالص اسمی (TOT) برابر ۰/۳۲ برآورد شده است. ضریب TOT مطابق انتظار مثبت و معنی دار است.

جدول (۷) آزادسازی تجاری و حساب جاری تراز پرداختها

متغیر وابسته : حسابجاری (بصورت نسبی از GDP)				
GMM		Fixed effects		متغیرهای توضیحی
(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
				CA <sub>1</sub>
-۰/۵۹	۰/۷۱	۰/۶۱	۰/۶۸	
(۲/۲۹) *	(۳/۱۴) **	(۲/۷۰) *	(۱/۴۱) &	
				W
-۰/۵۳	۰/۶۰	۰/۵۱	۰/۴۵	
(۲/۱۶) *	(۱/۳۸) &	(۱/۲۹) &	(۳/۳۴) **	
				Y
-۰/۳۸	-۰/۱۵	-۰/۱۷	-۰/۳۰	
(-۲/۵۶) *	(-۳/۴۹) **	(-۲/۱۱) *	(-۱/۶۸) *	
				P
-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۳	
(۱/۲۴) &	(۳/۰۴) **	(۲/۷۱) *	(۱/۱۸) &	
				d <sub>x</sub>
-۰/۲۰	-۰/۱۶	-۰/۲۴	-۰/۱۹	
(۳/۷۵) **	(۱/۲۹) &	(۱/۲۱) &	(۲/۴۹) *	
				d <sub>m</sub>
-۰/۲۶	۰/۳۸	۰/۶۰	۰/۴۴	
(۲/۵۰) *	(۳/۴۴) **	(۲/۳۸) *	(۲/۶۱) *	
				Lib
-۰/۱۶۸	-۰/۷۲	-۰/۵۸	-۰/۱۶۵	
(۲/۲۸) *	(۳/۰۱) **	(۲/۶۶) *	(۱/۳۲) &	
				TOT
-۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۲۵	۰/۳۱	
(۲/۵۳) *	(۲/۵۷) *	(۱/۶۳) &	(۳/۴۱) **	
				y×Lib
-۰/۲۳		۱/۲۵		
(۲/۱۹) *		(۲/۵۱) *		
				R <sup>2</sup> ضریب تعیین
		۰/۵۸	۰/۵۶	آزمون هاسمن
		۲۵/۱۷	۲۱/۴۲	آزمون والد
[۰/۰۰۰]	[۰/۰۰۰]			تعداد مشاهدات
۴۰۶	۴۰۶	۲۵۶	۲۵۶	

• اعداد داخل پرانتز آماره t و اعداد داخل کروشه P-Value می باشند. همچنین\* معنی داری در سطح ۱ درصد، \*\* معنی داری در سطح ۵ درصد و & معنی داری در سطح ۱۰ درصد را نشان می دهد. جهت آزمون حذف متغیرهای حاصل ضرب از آماره F و از آزمون والد جهت معنی داری همزمان رگرورها استفاده شده است

اکنون به تجزیه و تحلیل برآورد های روش GMM، که نتایج آن در ستونهای سوم و چهارم جدول (۶) ارائه شده است، می پردازیم. نتایج مطابق انتظار، معنی دار و همسو با نتایج برآوردی روش اثرات ثابت می باشند. ضریب متغیر رشد درآمد جهانی برابر ۰/۸۵ برآورد شده است و بیانگر آن است که با افزایش یک درصد درآمد جهانی به میزان ۰/۸۵ درصد تراز تجاری بهبود می بخشد. اثر متغیر رشد درآمد

داخلی بر تراز تجاری معکوس و برابر  $0/25$  - برآورد شده است. ضریب متغیر تغییرات نسبی قیمت مطابق انتظار منفی و برابر  $0/04$  - برآورد شده است و به معنی آن است که با افزایش یک درصدی در رشد قیمت‌های نسبی به میزان  $0/04$  درصد تراز تجاری به سمت کسری میل می‌کند. یک درصد کاهش در عوارض صادراتی به بهبود معنی دار تراز تجاری در حدود  $0/29$  درصد منجر شده، در حالی که، با یک درصد کاهش در عوارض وارداتی در حدود  $0/79$  درصد تراز تجاری وخیم تر می‌شود. ضریب انتقال متغیر مجازی آزادسازی تجاری ( $2/19$  -) بیانگر آن است که واکنش تراز تجاری نسبت به آزادسازی تجاری از شدت بالا و معنی داری برخوردار می‌باشد. بطوریکه با آزادسازی تجاری وضعیت تراز تجاری وخیم تر می‌گردد. مقدار این ضریب در مقایسه با ضریب متناظر آن در ستون اول از شدت بالاتری برخوردار است. ضریب متغیر نرخ مبادله خالص اسمی (TOT) برابر  $0/45$  - برآورد شده است.

ستون چهارم جدول (۶) حساسیت نتایج نسبت به ورود متغیر اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری ( $y \times lib$ ) مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی ضرایب همانند نتایج ستون سوم دارای علامت مورد انتظار و معنی دار می‌باشند. ضریب اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری برابر  $0/18$  - برآورد گردیده و بیانگر آن است که با وقوع آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌های تجاری و همچنین اصلاحات در رژیم سیاست تجاری، حساسیت تراز تجاری نسبت به رشد درآمد داخلی کاهش می‌یابد.

جدول (۷) نتایج اثرات آزادسازی تجاری بر حساب جاری تراز پرداختها را نشان می‌دهد. همان طوری که مشاهده می‌شود نتایج اثرات آزادسازی تجاری بر حساب جاری از شدت کمتر و ضعیفتری برخوردار است. این نتیجه ممکن است از قبل قابل پیش بینی نیز بوده باشد زیرا برخی از عوامل درون حساب جاری شامل بهره‌های پرداختی، سود و سایر انتقالات بیشتر نسبت به آزادسازی مالی حساس بوده تا آزادسازی تجاری. به عبارت دیگر این عوامل دارای رابطه سیستماتیک با تغییرات صادرات و واردات نمی‌باشند. در جدول (۷) در الگوسازی حساب جاری متغیر وابسته به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی تصریح شده است. نتایج اثرات ثابت در ستون (۱) بیانگر آن است که تمامی ضرایب در تابع حساب جاری تراز پرداختها دارای علامت مورد انتظار و سازگار با انتظارات نظری می‌باشند. ضریب متغیر رشد درآمد جهانی ( $0/45$ ) دارای علامت مثبت و معنی دار است. ضریب متغیر رشد درآمد داخلی برابر  $0/30$  - بوده و در سطح  $10$  درصد معنی دار می‌باشد. تغییرات قیمت نسبی منجر به وخیم تر شدن

حساب جاری می‌گردد، به طوری که ضریب این متغیر در الگو برابر  $0/03-$  برآورد شده است. یک درصد کاهش در عوارض صادراتی به بهبود معنی دار حساب جاری در حدود  $0/19$  درصد منجر شده، در حالی که، با یک درصد کاهش در عوارض وارداتی، تراز تجاری در حدود  $0/44$  درصد وخیم‌تر می‌شود. ضریب انتقال متغیر مجازی آزادسازی تجاری ( $0/65-$ ) بیانگر آن است با آزادسازی تجاری وضعیت حساب جاری وخیم‌تر می‌گردد. ضریب متغیر نرخ مبادله خالص اسمی (TOT) برابر  $0/31-$  برآورد شده است.

در ستون دوم جدول (۷) حساسیت نتایج نسبت به ورود متغیر اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری ( $y \times lib$ ) مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی ضرایب همانند نتایج ستون اول دارای علامت مورد انتظار و معنی دارند. ضریب اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری برابر  $1/25$  برآورد گردیده است. این ضریب اثرات مشترک حذف انحرافات حساب جاری روی کشش درآمدی را اندازه‌گیری می‌نماید و بیانگر آن است که با وقوع آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه‌های تجاری و همچنین اصلاحات در رژیم سیاست تجاری، حساسیت حساب جاری نسبت به رشد درآمد داخلی افزایش می‌یابد.

اکنون به تجزیه و تحلیل برآورد های روش GMM، که نتایج آن در ستونهای سوم و چهارم جدول (۷) ارائه شده است، می‌پردازیم. نتایج مطابق انتظار، معنی دار و همسو با نتایج برآوردی روش اثرات می‌باشند. ضریب متغیر رشد درآمد جهانی برابر  $0/60$  برآورد شده است و بیانگر آن است که با افزایش یک درصد درآمد جهانی به میزان  $0/60$  درصد تراز تجاری بهبود می‌بخشد. اثر متغیر رشد درآمد داخلی بر حساب جاری معکوس و برابر  $0/15$  برآورد شده است. ضریب متغیر تغییرات نسبی قیمت  $0/04$  برآورد شده و به معنی آن است که با افزایش یک درصدی در رشد قیمت‌های نسبی به میزان  $0/04$  درصد حساب جاری مطابق انتظار وخیم‌تر می‌شود. یک درصد کاهش در عوارض صادراتی به بهبود معنی دار حساب جاری در حدود  $0/16$  درصد منجر شده، در حالی که یک درصد کاهش در عوارض وارداتی در حدود  $0/38$  درصد حساب جاری را وخیم‌تر می‌سازد. ضریب انتقال متغیر مجازی آزادسازی تجاری ( $0/72$ ) بیانگر آن است که مقدار این ضریب در مقایسه با ضریب متناظر آن در ستون اول از شدت بالاتری برخوردار بوده اما نسبت به نتایج متناظر آن در جدول (۶) آزاد سازی تجاری از شدت کمتری برخوردار می‌باشد. ضریب متغیر نرخ مبادله خالص اسمی (TOT) برابر  $0/43$  برآورد شده است به طوری که افزایش یک

درصدی این متغیر به میزان ۰/۴۳ درصد وضعیت حسابجاری را بهبود می بخشد. ستون چهارم جدول (۷) حساسیت نتایج نسبت به ورود متغیر اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری ( $y \times lib$ ) مجدداً مورد ارزیابی قرار گرفته است. تمامی ضرایب همانند نتایج ستون سوم دارای علامت مورد انتظار و معنی دارند. ضریب اثرات تعاملی متغیر رشد درآمد داخلی و آزادسازی تجاری برابر ۰/۲۳ برآورد گردیده و بیانگر آن است که با وقوع آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه های تجاری و همچنین اصلاحات در رژیم سیاست تجاری، حساسیت تراز تجاری نسبت به رشد درآمد داخلی افزایش می یابد.

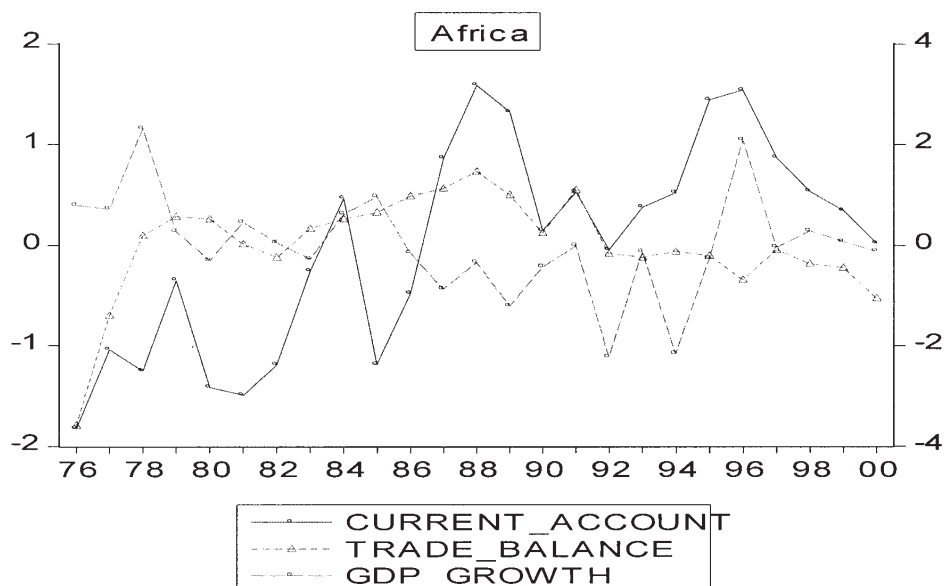
#### ۵- جمع بندی، نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه در قالب روشهای جامع و سیستماتیک، توابع تراز تجاری و حساب جاری ترازپرداختها را برای گروهی از کشورهای در حال توسعه منتخب مورد بررسی قرار می دهد. علاوه بر این، به تجزیه و تحلیل سیاستهای عمده تجاری در ۲۳ کشور مورد مطالعه در طی دوره زمانی (۱۹۷۱-۲۰۰۲) مبتنی بر روش پویای داده های پانل پرداخته شده است. به هر حال هدف اصلی این مطالعه به بسط توابع تراز تجاری و حساب جاری ترازپرداختها بر اساس معیارهای مرتبط تجارت در کشورهای در حال توسعه پرداخته و آن را در قالب روش GMM در داده های پانل مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. اگرچه محدودیتهای وارداتی به کاهش در کارایی منجر می گردد اما در تعادل ترازپرداختها از اهمیت بالایی برخوردار است. از لحاظ نظری اگرچه آزادسازی تجاری رشد واردات و صادرات را افزایش می دهد اما تأثیر آن بر تراز تجاری و ترازپرداختها مبهم است و بیشتر به اثرات نسبی رشد صادرات و واردات و همچنین به تغییرات قیمت های نسبی بستگی دارد. از دیدگاه عرضه، آزادسازی تجاری به رشد اقتصادی منجر می گردد اما از دیدگاه تقاضا این سیاست به وخیم تر شدن ترازپرداختها منجر شده و آن گاه این امر اثر معکوسی بر رشد اقتصادی خواهد داشت. زیرا کسری ترازپرداختها ناشی از آزادسازی تجاری غیر قابل کنترل بوده و به سادگی توسط تغییرات در قیمت های نسبی (نرخ ارز واقعی) جهت حصول به شرایط تعادلی، قابل جبران و تصحیح نیست. لذا براساس نتایج برآوردی این فرضیه که با آزادسازی تجاری واردات و صادرات افزایش یافته و رشد واردات بیشتر از صادرات می باشد مورد تأیید قرار گرفت و در نهایت این امر به کسری تراز تجاری و حساب جاری می انجامد اما تأثیر آزادسازی تجاری بر تراز تجاری نسبت به

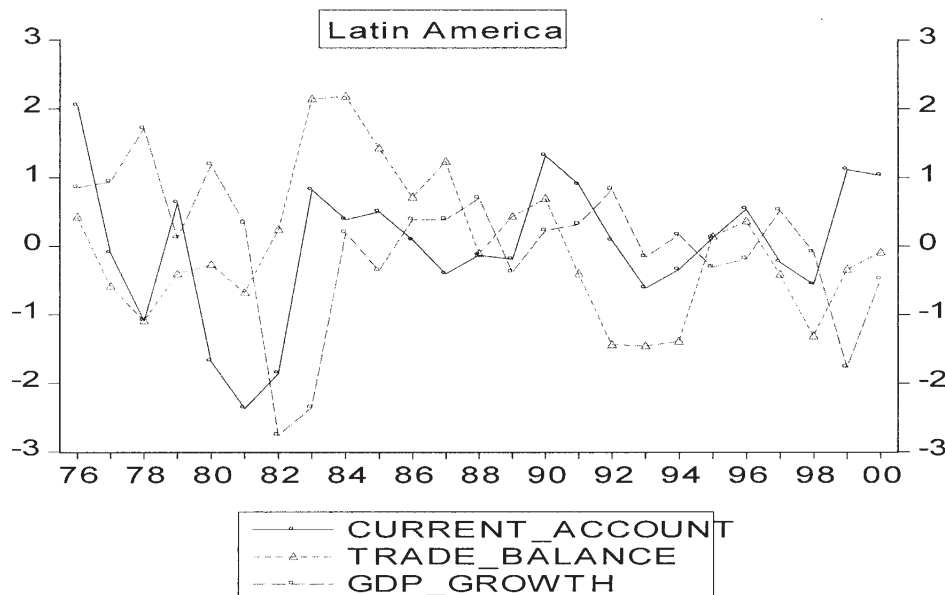
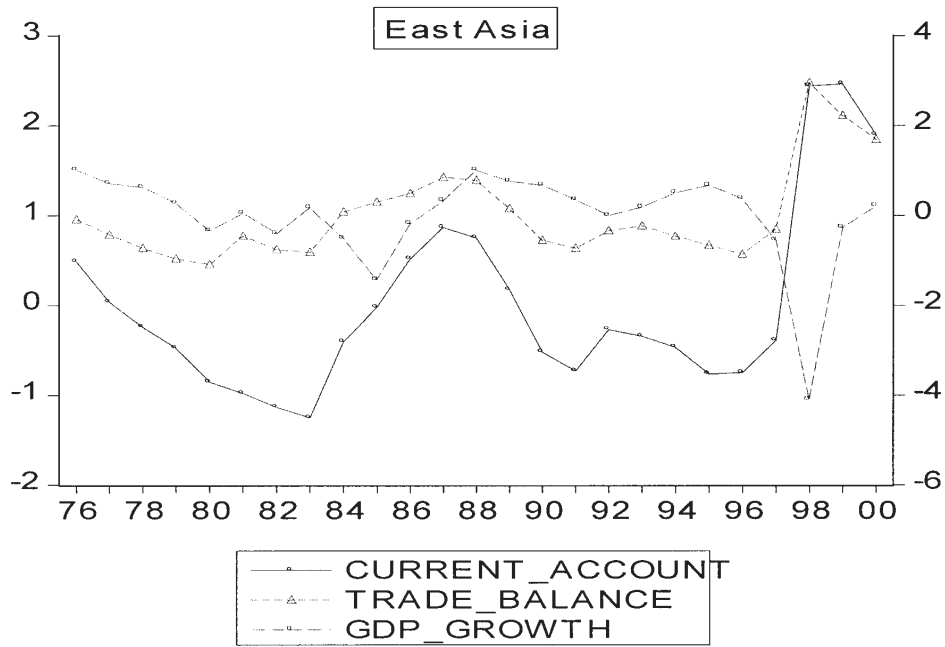
حساب جاری بیشتر می باشد زیرا برخی از عوامل درون حسابجاری شامل بهره های پرداختی ، سود و سایر انتقالات حساسیت بیشتری به آزادسازی مالی نسبت به آزادسازی تجاری دارند . به عبارت دیگر این عوامل دارای رابطه سیستماتیک با تغییرات صادرات و واردات نمی باشند .

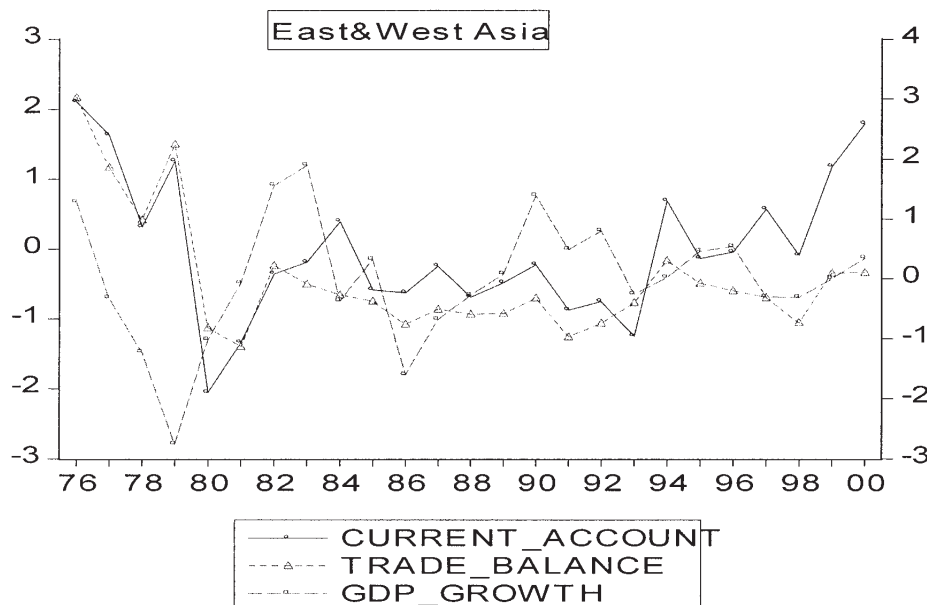
بر اساس نتایج مذکور می توان پیشنهاد کرد که کشورها و به طور کلی سازمانهای بین المللی که برنامه های تعدیل و به طور خاص آزادسازی را توصیه می نمایند باید به دقت پیامدهای آزادسازی تجاری را جهت حصول به شرایط مناسب برای تراز تجاری و ترازپرداختهای مورد بررسی قرار دهند . در غیر این صورت با آزادسازی تجاری همواره واردات از افزایش بیشتری نسبت به صادرات برخوردار بوده و اگر چنین آزادسازی بدون توجه به جهش صادراتی صورت پذیرد در نهایت به کسری حساب جاری و ترازپرداختها خواهد انجامید .

نمودار (۱) تراز تجاری و رشد GDP در کشورهای در حال توسعه منتخب









منابع و مأخذ

- Amelia santos- paulino and A.P. thirlwall(2002), the Impact of trade liberalisation on Export Growth, Import Growth, the Balance of trade and The Balance of payments of Developing Countries, University of Kent, Working paper.
- Amelia Santos- paulino(2002) Trade liberalisation and The Balance of Payments in selected Developing countries, working paper, ISSN 1466-0814.
- Agosin, Manuel R., 1991, 'Trade policy reform and economic performance: a review of the issues and some preliminary evidence', UNCTAD Discussion Papers No.41, UNCTAD, Geneva.
- Arellano, Manuel, 1993, "On testing of correlation effects with panel data" *Journal of Econometrics*, 59 (1), September, PP.87-97.
- Arellano, Manuel and Stephen Bond, 1991, "Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations", *Review of Economic Studies*, 58, pp. 277-297.